

## سرمایه اجتماعی مفاهیم اصلی و چارچوب نظری

دکتر مریم شریفیان ثانی عضو هیات علمی دانشگاه

In recent years, we have witnessed the concept of social capital incorporated into academic discourse and scientific documentations in the sphere of sociology, social sciences, economic, and recently political sciences. The reason for the increasing focus on social capital is because of the role it plays in enhancing the ability of communities to manage and sustain the human, economic and environmental capitals.

Social capital is addressed as a factor for the success of social welfare and social health programs. That is why social capital is included in providing the more recent systems of social and development indicators by the world's well-known organizations.

This article is based on a comprehensive literature review chosen from the more recent publications which played a key role in the development of the concept of social capital. It begins with defining social capital and its main components. Common themes in the literature comes next. After noting to an initial summary of differences between human capital and social capital, it examines the conceptual framework of the subject and finally discusses the relationship between social capital and social problems. Also addresses the importance of trust in this process.

Keywords: Social capital, Human capital, Trust, Reciprocity, Social problems, Conceptual framework

## چکیده :

در سالهای اخیر شاهد ورود واژه سرمایه اجتماعی در گفتارها و اسناد علمی در قلمروهای جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی، اقتصاد و اخیراً نیز علوم سیاسی بوده ایم. توجه این تمرکز بر مقوله سرمایه اجتماعی مبتنی بر نقشی است که سرمایه اجتماعی در تولید و افزایش سرمایه های انسانی، اقتصادی و محیطی ایفا می کند. سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی برای موفقیت در برنامه های رفاه اجتماعی و سلامت اجتماعی مورد بحث قرار می گیرد و به همین دلیل نیز امروزه در بررسی و تدوین شاخص های اجتماعی و توسعه توسط سازمانهای معتبر جهانی، جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است.

این مقاله که بر اساس مطالعه ای گسترده بر روی روز امدترین و معتبرترین منابع مرتبط با موضوع سرمایه اجتماعی تهیه شده است، با تعریف سرمایه اجتماعی و ابعاد مختلف آن آغاز می شود، به مفاهیم مشترک در تعاریف متفاوت سرمایه اجتماعی می پردازد، بحث را با اشاره ای به تفاوت سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی پیش می برد و نگاه به طرح چارچوب نظری بحث سرمایه اجتماعی می پردازد و در پایان، رابطه سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی را با تاکید بر عامل اعتماد مورد بحث قرار می دهد.

## مقدمه :

بسیاری از افراد با واژه سرمایه اجتماعی آشنا نیستند. در زبان روزمره بیشتر در مورد بافت اجتماعی<sup>۱</sup> صحبت می شود تا سرمایه اجتماعی. بنابراین، سرمایه اجتماعی چیست؟ عناصر تشکیل دهنده آن کدامند؟ سرمایه اجتماعی را ماده خام جامعه مدنی دانسته اند. این سرمایه از تعامل های هر روز بین افراد به وجود می آید. این سرمایه، به تنهایی در فرد یا ساختار اجتماعی نهفته نیست، بلکه در فضای تعامل های بین افراد وجود دارد. مایملک سازمان، بازار و یا دولت نیست. هر چند که همه آنها در تولید آن سهیم هستند (بولن و انیکس، ۱۹۹۸). سرمایه اجتماعی پدیده ای از پائین به بالاست<sup>۲</sup>. سازمانهای ارائه دهنده خدمات رفاهی و اجتماعی باید بدانند که سرمایه اجتماعی چیست، از مطالعات مرتبط با خبر باشند و کاربردهای آنرا در خدمات خود به خصوص در خدماتی که در سطح اجتماعات محلی<sup>۳</sup> ارائه می شود به خوبی بشناسند.

سرمایه اجتماعی چیست؟

۳. Bottom - up

۱. Social capital

۲. Social fabric

نوجوانان را کاهش می دهد و یا اینکه وجود اعتماد در همسایگی، با نرخ کمتر وقوع جرم همراه است. در بررسی دیگری (لدمن و دیگران، ۱۹۹۹) گفته شده است که ارزشها و هنجارهای مشترک می تواند سطح خشونت در جامعه را کاهش دهد یا پائین بکشد و در نتیجه از وقوع جرم و خشونت پیشگیری کند. این تحقیق در ۲۹ کشور توسعه یافته و در حال توسعه انجام شده است.

سرمایه اجتماعی در خانواده باعث فراهم آوردن شبکه حمایت برای اعضای خانواده می شود که در مواقع فقر و بیکاری به کمک می آید. این حمایت می تواند مصرف مواد مخدر و خشونت خانگی را که به رفتارهای خشونت بار در جامعه می انجامد نیز کاهش دهد. این ارتباط دو سویه است، یعنی علاوه بر زبانی که جرم و خشونت بر سلامت و اقتصاد جامعه وارد می آورد، هزینه مستقیمی نیز برای سرمایه اجتماعی در بر دارد (موسر و هلند، ۱۹۹۷).

- علاقه چندین وضعی به شکلهای مختلف چهره می نماید:
- نارضایتی و مهاجرت طبقه متوسط شهری
  - کاهش دسترسی به خدمات اجتماعی
  - افزایش خانواده های کژ رفتار
  - ایجاد فضای ترس و وحشت که جایگزین روح همکاری و مشارکت در زندگی اجتماعی می شود.
  - رابطه سرمایه اجتماعی با بهداشت نیز ثابت شده است.
  - از سال ۱۹۰۱ که رابطه بین نرخ خودکشی و بیکاری

سرمایه اجتماعی به گونه های مختلف توسط پژوهشگران متفاوت تعریف شده است (جاکوب، ۱۹۶۱؛ کلن: ۱۹۹۸؛ بوردو، ۱۹۸۶؛ پوتنام، ۱۹۹۵؛ کاکس، ۱۹۹۵؛ ول کاک؛ ۱۹۹۷؛ پورتز؛ ۱۹۹۸؛ فوکویاما، ۱۹۹۹؛ پاکستون، ۱۹۹۹). با جمع بندی نظرات ابراز شده می توان سرمایه اجتماعی را: مجموعه ای از شبکه ها، هنجارها، ارزشها و درکی دانست که همکاری درون گروهها و بین گروهها را در جهت کسب منافع متقابل تسهیل می کند.

این سرمایه را غالباً با نرخ مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می کنند. گزارش اخیر سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (او. ای. سی. دی، ۲۰۰۱) در مورد سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی<sup>۱</sup>، خاطر نشان می سازد که نتایج تحقیقات انجام شده در سطح کشورهای عضو، سرمایه اجتماعی و دسترسی به آنرا با مواردی از جمله بهبود سلامت، خشنودی بیشتر، مراقبت بهتر از کودکان، جرایم کمتر و برخورداری از حکومتی بهتر در ارتباط می بیند. به طور مثال به تحقیقی اشاره شده است که نشان می دهد، پیوندهای اجتماعی موجب کاهش خطر ابتلا به بیماری آلزایمر می شود و یا پیوندهای اجتماعی مادران، خطر کودک آزاری و مشکلات اجتماعی در بین کودکان و

۴. Community level

۱. Human capital

رابطه سرمایه اجتماعی با بهداشت نیز ثابت شده است .  
 از سال ۱۹۰۱ که رابطه بین نرخ خودکشی و یکپارچگی اجتماعی توسط امیل دورکیم تشخیص داده شد ، تحقیقات نشان داده است که سرمایه اجتماعی بالاتر و انسجام اجتماعی بیشتر<sup>۱</sup> ، به بهبود شرایط بهداشت جامعه کمک می کند ( کاوچی و دیگران ، ۱۹۹۷ ؛ بام ، ۱۹۹۷ ) کاوچی و دیگران ( ۱۹۹۷ ) در تحقیقات خود نتیجه می گیرند ، اعتمادی که در شبکه های رسمی و غیر رسمی وجود دارد ، به مردم کمک می کند تا :

- به آموزش بهداشت و اطلاعات دسترسی یابند .
- نظام های بهتری از ارائه مراقبت بهداشتی را طراحی کنند .
- برای ساختن زیر بناهای بهداشتی و اصلاح آن ، به طور جمعی اقدام کنند .
- تلاشهای پیشگیری را ارتقا دهند .
- هنجارهای فرهنگی را مطرح کنند که برای ارتقای

بهداشت تعیین کننده است .  
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی

می دانیم که مراقبت بهداشتی از طریق حکومت ( تمهیدات عمومی ) ، بازار ( تمهیدات خصوصی ) یا خانواده و اجتماع ( تمهیدات داوطلبانه ) و یا مجموعه ای از اینها فراهم می شود . سرمایه اجتماعی در بین هر گروه از فراهم آورندگان می تواند بازده سلامت را بهبود بخشد ، زیرا

افراد جامعه از کسانی که مورد اعتمادشان هستند ، حرف شنوی بهتری دارند .

در گزارش سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه ( او ای ، سی ، دی ، ۲۰۰۱ ) نیز آمده است که بر اساس تحقیقات انجام شده ، مناطق یا ایالاتی که از سطح بالاتری از اعتماد و مشارکت برخوردارند ، معمولاً حکومتهایی با کیفیت بالاتر دارند .

مسأله اعتماد بین مردم و حکومت یکی از مباحث قابل توجه در ایجاد سرمایه اجتماعی است که بعداً نیز ، در همین مقاله به آن خواهیم پرداخت .

تحقیقات نشان داده است ( لیچر و دیگران ، ۱۹۹۴ ) که دارایی کودک از سرمایه اجتماعی خانواده و جامعه ، احتمال ترک تحصیل وی را کاهش می دهد . کلمن ( ۱۹۸۸ ) نیز رابطه سرمایه اجتماعی در خانواده و موفقیت تحصیلی دانش آموزان را مورد توجه قرار داده است .

مفاهیم مشترکی در تعاریف سرمایه اجتماعی با مروری بر تعاریف مختلف سرمایه اجتماعی در متون علمی که طی سالهای اخیر منتشر شده است ، به مفاهیم مشترکی بر می خوریم که در نظریه پردازی سرمایه اجتماعی از آن استفاده می شود . برخی از این مفاهیم عبارتند از : مشارکت در شبکه ها ، بده بستان بین

1. Social cohesion

بر اساس تحقیقی که ، به منظور اندازه گیری سرمایه اجتماعی در پنج اجتماع مختلف در استرالیا انجام شده است ( بولن و انیکس ؛ ۱۹۹۹ ) ، ۸۰ عنصر معرف سرمایه اجتماعی شناسایی می شود :

- مشارکت در اجتماع محلی
- کنشگرایی در یک موقعیت اجتماعی
- احساس اعتماد و امنیت
- پیوندهای همسایگی
- پیوند های دولتی و خانوادگی
- ظرفیت پذیرش تفاوتها<sup>۳</sup>
- بها دادن به زندگی
- پیوندهای کاری

از موارد فوق ، چهار مورد : مشارکت در اجتماع محلی ، پیوندهای همسایگی ، پیوندهای خانوادگی و پیوندهای کاری ، به مشارکت و پیوندها مربوط می شوند و چهار مورد دیگر یعنی: کنشگرایی در یک موقعیت اجتماعی ،

احساس اعتماد و امنیت ، ظرفیت پذیرش تفاوتها و بها دادن به زندگی ، سنگ بنای سرمایه اجتماعی هستند .

سرمایه اجتماعی ، یکی از اجزای ثروت ملتها و توسعه پایدار

یکی از نظریه پردازی های نسبتاً متفاوت از توسعه پایدار، بر اساس دیدگاه چهار نوع سرمایه از سوی بانک جهانی ارائه شده است ( پیرس ، ۱۹۹۳ : بانک جهانی ، ۱۹۹۷ در کمیسیون اروپا ، ۲۰۰۰ ) . توسعه پایدار با توجه به ثروت ملل نظریه پردازی می شود و به معنی حفظ یا غنا بخشیدن به ثروت برای نسلهای آینده است . دیدگاه بانک جهانی ، بین چهار جزء تشکیل دهنده ثروت ملت ها تمایز قائل می شود:

سرمایه طبیعی : موجودی دارائی های محیطی مثل زمین ، آب ، جنگل ، معادن ، گیاهان و جانوران که به بعد محیطی توسعه پایدار مربوط می شود .

سرمایه تولید شده یا دست ساز بشر : موجودی ماشین آلات ، کارخانه ها ، ساختمانها و تجهیزات زیر بنایی ، مثل خطوط راه آهن و جاده ها که بر بعد اقتصادی توسعه پایدار دلالت دارند .

سرمایه انسانی : ظرفیتهای سازنده افراد که بر مهارت ، آموزش و بهداشت مبتنی است و همراه با سرمایه اجتماعی - بعد اجتماعی توسعه پایدار را تشکیل می دهد .

سرمایه اجتماعی : شبکه ها ، انجمن ها و موسساتی که با هنجارهای مشترک و روابط

۳. Social norms
۴. Commons
۵. Proactivity
۶. Tolerance of diversity

متکی بر اعتماد شکل می گیرند و همکاری را تسهیل می کنند .

از این دیدگاه ، سرمایه اجتماعی جزئی تفکیک ناپذیر از مجموعه ثروت یک ملت است که در چارچوب نظریه توسعه پایدار ، ایجاد و حفظ آن و غنا بخشیدن به آن برای استفاده نسل آینده ، از اهدافی است که توسعه پایدار ملزم به پیگیری آن است .

نکته ای که یادآوری آن در این بحث مفید به نظر می رسد ، تفاوت بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی است . هر چند که این دو نوع سرمایه در کنار یکدیگر بعد اجتماعی توسعه پایدار را تشکیل می دهند ، اما نمی توانیم در بحثهای علمی خود آنها را به جای یکدیگر به کار گیریم ، زیرا تفاوت های عمده ای از جمله در محاسبه داده ها و اندازه گیری بازده خود دارند .

#### تفاوت بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی

شولز ( ۱۹۹۶ ) تفاوت سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی را در موارد زیر دسته بندی می کند: علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- سرمایه انسانی بر عامل فردی تکیه دارد ، در حالی که سرمایه اجتماعی بر شبکه ها و روابط بین آنها متکی است .

- سرمایه انسانی فرض را بر منطق اقتصادی و شفاف بودن اطلاعات قرار می دهد ، در حالی که سرمایه اجتماعی ارزیابی خود را از دیدگاه ارزشها و منجاریهای می نگرد که به طور اجتماعی شکل گرفته اند .

- سرمایه انسانی داده ها را بر اساس سالهای آموزش یا تعداد مهارتهای افراد اندازه گیری می کند ، اما سرمایه اجتماعی استحکام تعهدات دو جانبه بین افراد و گروهها و مشارکت مدنی را مبنای اندازه گیری قرار می دهد .

- سرمایه انسانی ، بازده را بر اساس درآمد فرد و یا سطوح بهره وری اندازه گیری می کند ، در حالی که سرمایه اجتماعی بازده را بر اساس کیفیت زندگی<sup>۱</sup> مورد سنجش قرار می دهد .

تاکید بر استحکام تعهدات دو جانبه بین افراد و گروهها و مشارکت مدنی ، برای اندازه گیری داده های سرمایه اجتماعی و اندازه گیری بازده بر اساس متغیرهای کیفیت زندگی نکته قابل توجهی است که ارتباط سرمایه اجتماعی را با اصلی ترین هدف

۱. Quality of life

اجتماعی پرداخته اند. در طول ۱۰-۱۵ سال گذشته، رابرت پوتنام<sup>۶</sup> و جیمز کلمن<sup>۷</sup>، به واژه سرمایه اجتماعی اعتبار و آوازه فراوان بخشیده اند.

پوتنام (۱۹۹۳ در قلدمن و اساف، ۱۹۹۹) سرمایه اجتماعی را به عنوان مجموعه‌ای از ارتباط‌های افقی بین افراد می‌بیند که همکاری در جهت کسب منافع متقابل را در اجتماع تقویت می‌کند. کلمن (۱۹۸۸) نظریه عمومی تری از سرمایه اجتماعی را مطرح می‌کند که در آن همکاری‌های عمودی هم پوشش داده می‌شود. از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل کند. وی اعتماد، اطلاعات، اختیار و تعهد در یک گروه را لازمه سرمایه اجتماعی می‌داند. کلمن دو عامل را در شکلهای مختلف سرمایه اجتماعی مشترک می‌داند: همه آنها جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی را در بر می‌گیرند و همه آنها انجام اقدام خاصی را توسط عاملان آن تسهیل می‌کنند.

سومین و جدیدترین دیدگاه توسط داکلاس نورث<sup>۸</sup> در سال ۱۹۹۰ ابراز شده است که روابط رسمی و ساختارهایی مانند نهادهای در سطح کلان از جمله حکومت، رژیم سیاسی، سیاستهای حقوقی و نظام دادخواهی را

برنامه‌های توسعه و ارتقای شاخص‌های اجتماعی، یعنی بهبود کیفیت زندگی نشان می‌دهد.

نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی را نیز اولین بار کلمن (۱۹۸۸) مورد بحث قرار داد.

نظریه‌های مختلف سرمایه اجتماعی یکی از متقدمان طرح نظریه سرمایه اجتماعی را هنی فن<sup>۹</sup> می‌دانند که در سال ۱۹۲۰ این واژه را مطرح کرد و آنرا شامل دارائی‌هایی می‌داند که در زندگی روزانه افراد خیلی به حساب می‌آیند، همانند حسن تفاهم<sup>۱۰</sup>، رفاقت و دوستی، احساس همدردی<sup>۱۱</sup> و روابط اجتماعی در بین افراد و خانواده‌هایی که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند (قلدمن و اساف، ۱۹۹۹). نکته قابل توجه اینکه، نظریه هنی فن برای نیم قرن مسکوت ماند تا در سال ۱۹۶۱ جاکوب<sup>۱۲</sup> در اثر خود به نام "زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکائی"، از سرمایه اجتماعی بحث کرد و نقش آنرا در ارتباط با حفظ نظافت، برخورد با جرم و جنایت خیابانی در محدوده‌های حومه و قدیمی شهری مطرح کرد. پی‌یر بوردو<sup>۱۳</sup> و پسران<sup>۱۴</sup> در سال ۱۹۷۰، گلن لوری<sup>۱۵</sup> در سال ۱۹۷۷، در آثار خود به بحث در مورد سرمایه

۶. Hanifan
۷. Goodwill
۸. Sympathy
۹. Jacobs
۱۰. Pierre Bourdieu
۱۱. Passeron

۶. Glenn Loury  
۷. Robert Putnam  
۸. James Coleman  
۹. Douglas North

می‌کنند، سطح خرد به نقش بالقوه‌ای اشاره دارد که سازمانهای افقی و شبکه‌های اجتماعی در توسعه جوامع دارند. در درون سطح خرد، دو نوع سرمایه اجتماعی مورد شناسایی قرار می‌گیرد: سرمایه اجتماعی شناختی و سرمایه اجتماعی ساختاری.

آن قسمت از سرمایه اجتماعی که کمتر قابل لمس است و به ارزشها، اعتقادات، طرز تلقی‌ها، رفتار و هنجارهای اجتماعی اشاره دارد، سرمایه اجتماعی شناختی نامیده می‌شود. این ارزشها شامل: اعتماد، همبستگی و اتفاق نظر و بده‌بستان<sup>۱</sup> است که در بین اعضای یک اجتماع مشترک می‌باشد و شرایطی را به وجود می‌آورد که تحت آن شرایط، اجتماعات مختلف می‌توانند برای رسیدن به فایده‌ای مشترک، باهم کار کنند.

سرمایه اجتماعی ساختاری شامل تشکل و عملکرد سازمانهای رسمی و غیر رسمی محلی می‌شود که به عنوان ابزاری در جهت توسعه اجتماع خدمت می‌کنند. سرمایه اجتماعی ساختاری، از طریق سازمانهای افقی و شبکه‌هایی شکل می‌گیرد که فرایندهای تصمیم‌گیری شفاف و جمعی<sup>۲</sup>، رهبران پاسخگو<sup>۳</sup> و تجارب عملی از اقدام جمعی و مسوولیت متقابل دارند.

در تعریف خود وارد می‌کند (نورث، ۱۹۹۰، در فلدمن و اساف، ۱۹۹۹). آنچه که از مرور این نظریه‌ها نتیجه می‌شود، تشخیص سطوح مختلفی است که دانشمندان متفاوت، برای بررسی سرمایه اجتماعی در چارچوب نظری مشخص، مطرح می‌کنند.

### سطوح مختلف بررسی در چارچوب نظری سرمایه اجتماعی

در یکی از مطالعاتی که اخیراً انجام شده است، سه سطح مختلف برای این بررسی شناسایی می‌شود (ایمرفال، ۱۹۹۹ در کمیسیون اروپا، ۲۰۰۰، ص ۱۹):

- سطح روابط بین افراد، مانند خانواده، دوستان و همسایگان
- سطح انجمن‌ها و سازمانهای واسطه، مانند عضویت باشگاهها، شرکت‌ها و احزاب سیاسی.
- نهادهای اجتماعی در سطح کلان.

چارچوب نظری برای سنجش سرمایه اجتماعی در دو سطح خرد و کلان نیز مورد توجه قرار گرفته است (نورث، ۱۹۹۰، در فلدمن و اساف، ۱۹۹۹) سطح کلان، روابط و ساختارهای رسمی مانند قوانین، مقررات، چارچوبهای حقوقی، رژیم سیاسی، سطح عدم تمرکز و سطح مشارکت در فرایند شکل‌گیری سیاسی را شامل می‌شود (بین و هیکس، ۱۹۹۸). در چارچوب نظری که این دانشمندان برای سطوح و انواع سرمایه اجتماعی پیشنهاد

۱. Solidarity and reciprocity

۲. Collective and transparent decision making processes

۳. Accountable leaders



تا کنون ابزارهای ارزشیابی سرمایه اجتماعی نیز عملاً به اندازه گیری شاخص های بر شمرده در سطح خرد پرداخته اند .  
ارتباط سازنده بین سطح کلان و خرد سرمایه اجتماعی از اهمیت بسیاری بر خوردار است و نبود این ارتباط منجر به درهم ریختن اعتماد می شود که اصلی ترین عنصر تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی است .

نارایان<sup>۳</sup> در چار چوب تجزیه و تحلیلی که در سال ۱۹۹۹ طراحی کرده است، بین سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف تمایز قائل می شود و بر اساس عملکرد کلی مؤسسات دولتی ( قوی در برابر ضعیف ) که سطح سوم را در چار چوب پیشنهادی نارایان تشکیل می دهد و تراکم پیوندهای بینابینی گروهها<sup>۴</sup> ( کم در مقابل زیاد ) که از نظری نوع دوم سرمایه اجتماعی است ، چهار نوع جامعه را مشخص می کند و آنها را با عبارات رفاه<sup>۵</sup> ، مستثنا سازی<sup>۶</sup> ، کنار آمدن<sup>۷</sup> و تعارض<sup>۸</sup> ، از یکدیگر متمایز می سازد. به طور مثال ، در جامعه ای که عملکرد کلی مؤسسات دولتی قوی است و پیوند بینابینی گروهها نیز زیاد است ، معرف جامعه ای است که با رفاه مشخص می شود . مستثنا سازی ، مشخصه جامعه ای می باشد که در

آن عملکرد مؤسسات دولتی قوی است ، ولی سرمایه اجتماعی بین گروهها که نارایان آنرا سرمایه اجتماعی پیوند دهنده<sup>۹</sup> می نامد ، کم است . به اعتقاد نارایان در این نوع جامعه ، گروههای اجتماعی مقتدر ، با مستثنا کردن سایر گروهها ساختارهای حکومتی را مسلط می کنند .  
دولتهای غیر کار آمد با عملکرد ضعیف و اما پیوندهای قوی بین گروههای اجتماعی ، معرف جامعه ای هستند که با کنار آمدن و تحمل کردن مشخص می شود . در این جامعه ، گروههای غیر رسمی جایگزین نهادهای رسمی می شوند . نارایان (۱۹۹۹) ، جوامعی با عملکرد ضعیف مؤسسات دولتی و گروههای اجتماعی منزوی را با ویژگی تعارض مشخص می کند .

#### سرمایه اجتماعی ، اعتماد و مشکلات اجتماعی

سرمایه اجتماعی در مورد مدینه فاضله سخن نمی گوید ، جهان ایده آلی که همه ما خوب هستیم و رفتارمان مناسب است ، بلکه در مورد اندازه گیری کیفیت روابطی بحث می کند که امکان دارد رفاه را افزایش یا کاهش دهند ( کاکس ، ۱۹۹۷ ) : سرمایه اجتماعی در سطح فرد قابل اندازه گیری نیست ، بلکه از روابط و انتظارات تشکیل می شود و از طریق روابط اجتماعی ، انباشت یا پراکنده می شود . کاکس می افزاید که اگر به یکدیگر اعتماد داشته باشیم ، روابط ما با خانواده ، دوستان ، همسایگان ،

۳. Narayan  
۴. Density of cross - cutting ties  
۵. Well - being  
۶. Exclusion  
۷. Coping  
۸. Conflict

۹. Bridging social capital

همکاران، بیماران، مراقبان بهداشت، هم گروهی‌ها و اجتماعات مختلف موثرتر می‌شود. هر جامعه‌ای که اعضای غیر قابل اعتماد زیادی دارد که فاقد تجارب و انتظارات مثبت هستند، در مورد پیروی از قوانین، جرم، خودکشی، خشونت، شرایط بهداشتی و سایر شاخصهای اجتماعی مشکلات اساسی دارد. کاکس در بحثهای خود نتیجه می‌گیرد که اگر جامعه‌ای با مشکلات اجتماعی متعددی دست به گریبان است، سطح سرمایه اجتماعی در کل جامعه یا در بین گروههای فرعی خاصی پایین است.

فوکویاما (۱۹۹۷) نیز به ارتباط سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی اشاره‌ای مستقیم دارد و یکی از راههای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی را استفاده از آمارهای انحرافات اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات و سایر مشکلات اجتماعی می‌داند.

به عبارت دیگر، وجود مشکلات اجتماعی مختلف را نشانه‌ای از نبود سرمایه اجتماعی می‌شمارند و در واقع این روش را جایگزین سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش مثبت می‌داند.

بحث از اعتماد و اهمیت آن نیز در تحقیقات فوکویاما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. وی سرمایه اجتماعی را "دخیره جامعه از ارزشهای مشترک" می‌داند.

براون و اشمن (۱۹۹۶) نیز ارتباط مشارکت، سرمایه اجتماعی و حل مسائل در سطح بین بخشی را مورد بررسی قرار می‌دهند. کاکس (۱۹۹۹) هم با تاکید بر اهمیت عامل اعتماد در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، این نکته را مطرح می‌سازد که خیلی مشکلتر است که جماعتی را متقاعد کنیم تا سبک زندگی سالمتری را پیش بگیرند، اگر پیام از سوی افرادی باشد که اعتماد زیادی نسبت به آنها وجود ندارد. سطح پایین اعتماد موجب رفتار ضد اجتماعی می‌شود. اعتماد برای پذیرش قوانین لازم است. کاکس اعتقاد دارد که وقتی تمرکز بر تغییر رفتار گروههای فرعی در درون یک گروه مشخص است، تغییر در رفتار محتمل نیست مگر درجه‌ای از اعتماد اجتماعی و مدنی وجود داشته باشد، در غیر این صورت، منابع اختیار و قدرت از هیچ‌گونه اختیار و احترامی برخوردار نخواهند بود که به آن متکی باشند.

بنابراین، متوجه می‌شویم که کمیت و کیفیت اعتماد در هر جامعه‌ای نقش کلیدی در میزان سرمایه اجتماعی آن جامعه دارد. با در نظر داشتن رابطه سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی که به آن اشاره شد، شناسایی اشکال مختلف تبلور این عامل، یعنی اعتماد در سطح خرد و کلان می‌تواند به غنای منابع سرمایه اجتماعی مثل خانواده‌ها، اجتماعات مختلف، واحدهای کوچک کاری و جامعه مدنی بینجامد و در نتیجه افزایش سرمایه اجتماعی نیز شاهد

مختلف و مفاهیم اساسی آن کدام است؟ سرمایه اجتماعی چه تفاوتی با سرمایه انسانی دارد؟ سرمایه اجتماعی در کدام چارچوب نظری مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد؟ و در نهایت، چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی وجود دارد؟ در این مقاله سعی شد تا با استفاده از نتایج بررسی گسترده‌ای که بر روی اسناد و مدارک نظری و یافته‌های پژوهشی محققان معتبر جهانی در زمینه مورد بحث انجام گرفت، به پرسشهای فوق به اجمال پاسخ داده شود. امید است طرح مباحثی که در این مقاله آمد، توجه استادان و محققان دانش پژوه و دانشجویان علاقه مند را به لزوم انجام مطالعات گسترده تر در زمینه سرمایه اجتماعی جلب کند.

بروز تعداد کمتری از مشکلات و انحرافات اجتماعی باشیم

### جمع بندی بحث

استفاده رو به گسترش از واژه سرمایه اجتماعی و بحث در مورد آن در قلمروهای مختلف علوم اجتماعی، اقتصاد و علوم سیاسی، بحثهای توسعه پایدار و طراحی نظام های مربوط به تدوین شاخص های اجتماعی توسط سازمانهای تخصصی جهانی طی سالهای اخیر، حاکی از پذیرش نقش اجتناب ناپذیر این نوع سرمایه و لزوم بررسی و اندازه گیری آن در کنار سایر انواع سرمایه های طبیعی، فیزیکی و انسانی به منظور افزایش کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی و تحقق توسعه پایدار در جوامع مختلف است. اما سرمایه اجتماعی چیست؟ ابعاد

### منابع:

Bain, K. and Hicks, N. (1998), Building social capital and reaching out to excluded groups: The challenge of partnerships, Paper presented at CELAM meeting on the struggle against poverty towards the turn of the Millenium, Washington D C.

Baum, Fran(1997), Public Health and Civil Society: Understanding and valuing the connection, *Australian and New Zealand Journal of Public Health* 21(7):673-675

Brown, D. L., and Ashman, D. (1996), Participation, social capital, intersectoral problem solving: *African and Asian cases, world development*, Vol.24, No.9. 1467-1479.

Bullen P. and Onyx, J. (1999), Social capital: family support services and neighbourhood and community centres in NSW.

Bullen, P. and Onyx, J. (1998), Measuring social capital in five communities in NSW, Sydney: University of Technology and Management Alternatives.

Bourdieu, P. (1986), The forms of capital, in Richardson, ed. Handbook of theory and research for the sociology of education. Westport, CT: Greenwood Press.

Coleman, J. (1988), Social capital in the creation of human capital, *American Journal of Sociology*, Vol. 94, supplement, 95-120.

Cox, E. (1995), A truly civic society: Boyer lectures 1995, Sydney: ABC Books.

Cox, E. (1997), Building social capital, *Health Promotion Matter*, Vol. 4, 1-4.

European Commission (2000), Conceptual framework and structure of European system of social indicators, Mannheim: Centre for Survey Research and Methodology (ZUMA).

Feldman, T.R., and Assaf, S. (1999), Social capital: conceptual frameworks and empirical evidence, The World Bank, Social Capital initiative, working paper, No 5.

Fukuyama, F. (1999), Social capital and civil society, the institute of public policy, George Mason University, prepared for delivery at the IMI conference on second generation reforms.

Fukuyama, F. (1997), The end of the order, The Social Market Foundation.

Fukuyama, F. (1995), social capital and the global economy, *Foreign Affairs*, 74(5), 89-103.

Kawachi, I., Kennedy, B.P., and Lochner, K. (1997), Long live community, social capital as public health, *The American Prospect*: Vol. 8 (35), 56-59.

Kawachi, I., Kennedy, B.P., and Lochner, K., and Prothow-Stith, D. (1997), Social capital, income inequality and mortality, *American Journal of Public Health*, Vol. 87, 1491-1497.